

ماهنامه اجتماعی - فرهنگی

سال اول، شماره ۷، آذر ۱۳۹۵

۱۶ صفحه، ۱۰۰۰ تومان

آوازی همپاری

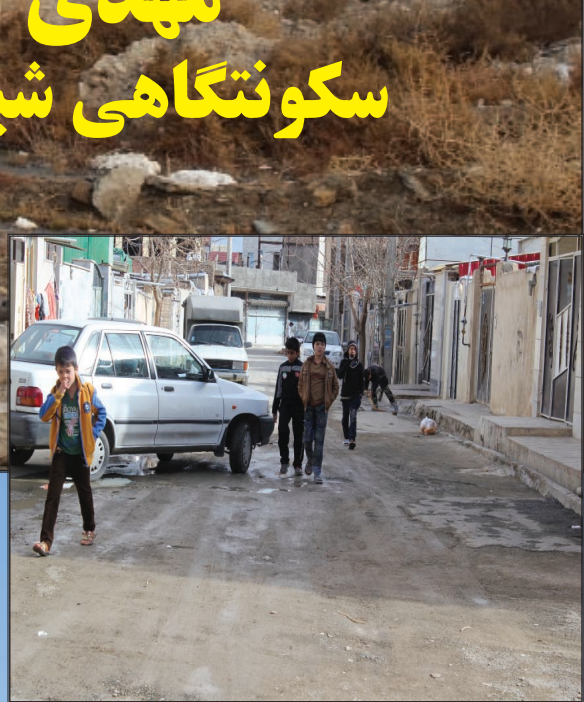
مهر بانو لیلا ارشد
صدای زنان و کودکان بی صدا



مهدی آباد

سکونتگاهی شبیه اردوگاه

آب و برق
آب و برق
۰۲۷۲۹۵۵۷۸۲



آواي همپاري

ماهنامه اجتماعی - فرهنگي، شماره ۷، آذر ۱۳۹۵
صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:

مهرزاد شفیق پور

ویراستار:

فریبا اعظمی

آدرس نشریه:

تهران، اندیشه، فاز ۲، میدان مادر، بلوار نیایش،
مجتمع نیایش، بلوک ۵A، طبقه ۴، واحد ۱۶.

کد پستی ۳۱۶۹۹۷۶۹۸۴

تلفن:

۰۲۱۶۵۵۰۶۸۰۱ - ۰۹۱۰۶۶۰۱۳۰۹

پست الکترونیک:

avayehamyari@gmail.com

آدرس سایت:

www.avayehamyari.ir

لیتوگرافی و چاپ:

آیین چاپ، تهران، خیابان انقلاب، پل چوبی، نبش خیابان اعتمادی،

پلاک ۲۴۰، کد پستی ۱۱۴۹۶۷۸۵۱۱

تلفن چاپخانه:

۰۲۱۷۷۵۲۰۰۳۵

عکس روی جلد: حجت سپهوند

همراه شو

ای همنوع، ای هم وطن

همراه و همیار من تویی

درد من، درد توست

گریه من، گریه توست

خنده من، خنده توست

شادی من، شادی توست

بیا که امروز

همراه و یار هم باشیم

که فردا دیر است

یادداشت

۴ << حقوق شهروندی و بیانیه رئیس جمهور

سایه ساران وطن

۶ << مهربانو لیلا ارشد

صدای زنان و کودکان بی صدا

جامعه

۱۲ << مهدی آباد سکونتگاهی شبیه اردوگاه

حقوق شهروندی و بیانیه رئیس جمهور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«و لقد کرنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً»
تاریخ معاصر ایران، آینه ای روشن از آرمان ها و مطالبات مردم ایران است. تاریخ بیش از یکصد ساله آزادی و عدالتخواهی ملت ایران، نمونه های پرافتخاری همچون نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی را به خود دیده است. در تمامی این دوران پرفرازونشیب، مردم ایران خواستار حرمت نهادن به کرامت و حیثیت والای انسانی و دستیابی به حقوق خود بوده اند. دوام مشروعیت و قدرت حکومت در پناه رضایت شهروندان و ایفای حقوق آنان به دست می آید؛ که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) فرمود «خداوند سبحان، حقوق بندگان را پایه ای برای حقوق خود دانسته، پس پاسداشت حقوق بندگان خدا، برپایی حقوق خداوند متعال را به دنبال خواهد داشت».

از آنجا که رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران بر پشتیبانی از حق، عدالت و حمایت از آزادی و حرمت اشخاص و حقوق ملت در قانون اساسی، سوگند یاد کرده است؛

• با توکل به خداوند متان و با پیروی از سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و اندیشه های بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی و تأکیدات مقام معظم رهبری بر ولی نعمت دانستن مردم و مراعات حق الناس؛

• با استناد به «حقوق ملت» که به روشنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده و با عنایت به اینکه دولت موظف است حق حیات، برخورداری از کرامت انسانی، عدالت، آزادی و زندگی شایسته را برای همه شهروندان ایران، اعم ایرانیان مقیم داخل یا خارج از کشور فارغ از جنسیت، سن، میزان بهره مندی از مواهب مادی، وضعیت اقتصادی یا سلامتی جسمی، ذهنی و روانی، گرایش سیاسی - اجتماعی، سبک زیستن، باور مذهبی، نژاد، قومیت و زبان رعایت و محقق کند؛

• نظر به اینکه حقوق شهروندی، بر اصولی همچون کرامت انسانی، صیانت از حقوق و آزادی های غیرقابل سلب، حاکمیت مردم، برخورداری همه مردم از حقوق انسانی مساوی، منع تبعیض و حمایت یکسان قانون از همه افراد ملت مبتنی است؛

• با توجه به اینکه استیفای حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی از جمله آزادی اندیشه، بیان و دسترسی به اطلاعات و تبادل آن، آزادی مطبوعات و رسانه ها، حق نقد و نظر و نظارت همگانی، حق سکونت و آزادی رفت و آمد، حق برخورداری از تابعیت، حق تعیین سرنوشت و اداره شایسته امور کشور به اتکای آرای عمومی از طریق نظام انتخاباتی سالم، شفاف و رقابتی و همه پرسی آزاد، حق تأسیس، اداره، عضویت و فعالیت در تشکل ها، احزاب و انجمن های مدنی و صنفی، حق شرکت آزادانه در اجتماعات و راهپیمایی ها و سایر حقوق، تنها با تعهد، مسئولیت پذیری و اراده سیاسی دولت امکانپذیر است؛

• نظر به این که مشارکت مردم در حیات اجتماعی به برخورداری بدون تبعیض شهروندان از حق بهره مندی از نظام اقتصادی شفاف و رقابتی، حق مالکیت، برخورداری از مسکن، تغذیه و آب آشامیدنی سالم، رفاه و تأمین اجتماعی فراگیر، خدمات بهداشتی و درمانی، کار و اشتغال شایسته، آموزش و تحصیلات عالی و مشارکت در حیات فرهنگی، منوط است؛

• نظر به این که مشارکت، همکاری و مسئولیت پذیری افراد، گروه ها و دولت ها برای استیفای حق توسعه، حق برخورداری از محیط زیست سالم، حق هویت فرهنگی، حق صلح و نفی خشونت و تنفر و حق ارتباط، در سطح ملی و بین المللی ضروری است؛

• نظر به این که دولت وظیفه خود می داند در جهت تأمین آزادی و امنیت شهروندی، دسترسی به عدالت و دادرسی عادلانه، مصونیت حریم خصوصی از هرگونه تعرض غیرقانونی، منع استراق سمع، بازرسی، تجسس، تفتیش عقاید و افشای غیرقانونی اطلاعات، بازداشت خودسرانه افراد و هرگونه شکنجه یا اجبار به ادای شهادت، اقرار یا سوگند برای همه شهروندان با سایر قوا همکاری کند و رعایت اصل برائت، اصل قانونی بودن جرم و مجازات و صلاحیت مرجع رسیدگی به اتهام، شفاف سازی جرائم و رعایت حقوق متهمان و محکومان به ویژه در جرائم سیاسی و رسانه ای، حق محاکمه عادلانه، علنی و بدون تبعیض و حق انتخاب یا بهره مندی از وکیل را دنبال کند؛

• نظر به اینکه استیفای حقوق شهروندی بدون آگاهی، توانمندی و مسئولیت پذیری شهروندان نسبت به حقوق، تکالیف و منافع عمومی امکانپذیر نیست؛

الف - اعلام میکنم دولت با همکاری سایر قوا و ارکان حاکمیت در حدود صلاحیت ها، منابع و امکانات و در چارچوب قانون اساسی نسبت به موارد زیر اقدام می کند:

۱. آگاهی بخشی، ظرفیت سازی و ارتقای فرهنگ عمومی و افزایش حساسیت، تعهد و مهارت کارگزاران نهادهای دولتی و غیردولتی در صیانت از حقوق شهروندی؛

۲. تشویق، حمایت و جلب مشارکت افراد، متخصصان، تشکل ها و نهادهای مدنی و خصوصی برای ارتقای فرهنگ عمومی و گسترش مطالبات همگانی و مقابله با هرگونه تعرض به حقوق شهروندی؛

۳. توجه به اصل عدم تبعیض و تساوی همه افراد و گروه ها در برابر قانون بدون هرگونه ملاحظه ای از قبیل جنسیت، قومیت، مذهب و گرایش های سیاسی - اجتماعی و پیگیری اجرای این اصل از سوی سایر قوا و نهادها؛

۴. اهتمام به مصادیق اصل کرامت انسانی و پیگیری اجرای آن از سوی قوای سه گانه و نهادها؛ از جمله منع شدید هرگونه توهین یا برخورد تحقیرآمیز از سوی مقامات و مأموران با مردم؛

۵. تدوین آیین‌ها و روش‌های غیر قضایی برای مقابله با نقض حقوق شهروندی باهدف طرح آسان اعتراضات و شکایات و رسیدگی در کمترین زمان ممکن؛
۶. گسترش مطالعات و بررسی‌های علمی و کاربردی به منظور شناسایی چالش‌ها و موانع فرا روی تحقق حقوق شهروندی و یافتن راهکارهای عملی در نظام حقوقی ایران و انجام اقدامات اصلاحی و جبرانی؛
۷. تدوین شاخص‌های کمی و کیفی به منظور پایش و ارزیابی فعالیت همه دستگاه‌های اجرایی در حوزه حقوق شهروندی؛
۸. حمایت از نظارت عمومی به ویژه از طریق نهادها و رسانه‌های همگانی در شناسایی، نقد و تحلیل زمینه‌های نقض حقوق شهروندی و صیانت فضای رسانه‌ای کشور به ویژه رسانه‌هایی که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند در برابر اقدامات غیراخلاقی و غیرمسئولانه، دروغ‌پراکنی، اتهام‌زنی، هجو، تمسخر و پرخاشگری در جهت خدشه دار کردن کرامت و حیثیت و حرمت اشخاص؛
۹. برنامه‌ریزی و تلاش مستمر در همکاری با دیگر قوا و دستگاه‌های حاکمیتی، مراجع عمومی و نهادهای غیردولتی برای ایجاد هماهنگی و انسجام در رعایت حقوق شهروندان و یافتن راهکارهای قانونی مناسب؛
۱۰. پیشگیری از ایجاد زمینه‌های نقض حقوق شهروندی به ویژه نقض‌های نظام مند و مکرر با استفاده از حداکثر امکانات قوه مجریه و با همکاری سایر قوا و نهادهای عمومی و مدنی؛
۱۱. التزام مدیران و مسئولان اجرایی به رعایت حقوق شهروندی در همه برنامه‌ریزی‌ها، سیاستگذاری‌ها، تصمیمات و اقدامات؛
۱۲. برخورد قانونی با سوء استفاده از قدرت در تعرض به حقوق شهروندی.
- ب- نظر به این که رئیس جمهور مکلف به اجرای قانون اساسی و پاسداری، حمایت و پشتیبانی از آزادی، حرمت اشخاص و حقوق ملت است:**
۱. بر اساس اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «منشور حقوق شهروندی» را به مثابه برنامه و خط مشی دولت برای رعایت و پیشبرد حقوق اساسی ملت ایران اعلام می‌کنم.
 ۲. لوایح مورد نیاز را در خصوص حقوق شهروندی تدوین و به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌کنم و از همکاری سایر قوا برای فراهم آوردن زمینه‌های اجرای آن اطمینان دارم.
 ۳. برای تحقق منشور حقوق شهروندی، همکاری، حسن تعامل و ارتباط سازنده با مجلس شورای اسلامی، قوه قضاییه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، سازمان صدا و سیما، نیروهای نظامی و انتظامی، شوراهای اسلامی شهر و روستا و شورای عالی استان‌ها و سایر نهادها را مورد توجه جدی قرار می‌دهم؛
 ۴. از مراجع عظام، استادان حوزه و دانشگاه، متخصصان و صاحب نظران، احزاب، رسانه‌ها، سازمان‌های مردم نهاد و همه شهروندان درخواست می‌کنم تا با ارائه نظرات و تذکرات خود، دولت و سایر قوا و دستگاه‌های حاکمیتی را در راه تحقق و اجرای کامل این منشور و نیز تقویت و گسترش گفتمان حقوق شهروندی یاری کنند؛
 ۵. به دستگاه‌های تابع قوه مجریه دستور می‌دهم تا برای اجرای دقیق منشور حقوق شهروندی، بسترسازی‌های قانونی و ساختاری و همچنین تلاش‌های فرهنگی و آموزشی لازم را انجام دهند.
 ۶. به دستگاه‌های تابع قوه مجریه دستور می‌دهم با مشارکت بخش غیردولتی به ویژه احزاب، تشکل‌ها و سازمان‌های مردم نهاد نسبت به تعیین مصادیق و تشریح حقوق شهروندی در حوزه فعالیت‌ها، مسئولیت‌ها و اختیارات خود اقدام و مهم‌ترین موارد نقض حقوق شهروندی را شناسایی و تدابیر قانونی لازم را برای تحقق این حقوق به ویژه از طریق آموزش، اطلاع‌رسانی، ظرفیت‌سازی و گسترش فرهنگ گفت‌وگو و تعامل در حوزه عمومی، اتخاذ کنند.
 ۷. تدابیر لازم را با همکاری سایر قوا برای توسعه، تقویت و اصلاح ظرفیت‌های موجود اعم از دولتی و غیردولتی برای پیشبرد حقوق شهروندی را اتخاذ خواهم کرد.
 ۸. دستگاه‌های تابع قوه مجریه را مکلف می‌کنم ظرف شش ماه از اعلام این منشور، برنامه «اصلاح و توسعه نظام حقوقی» را در حوزه مسئولیت خود با تأکید بر تحقق هر چه بهتر حقوق شهروندی تهیه و به تصویب برسانند و هر سال، گزارش ادواری حوزه مسئولیت خود را در زمینه پیشرفت‌ها، چالش‌ها، موانع و راه‌حل‌های پیشنهادی، به رئیس جمهور ارائه دهند.
 ۹. به منظور پیگیری در اجرای منشور حقوق شهروندی، «دستیار ویژه رئیس جمهور در امور حقوق شهروندی» را منصوب می‌نمایم. امیدوارم با عنایات الهی، پشتیبانی مردم، ارشادات مقام معظم رهبری، همکاری سایر قوا و هماهنگی نهادهای دولتی، عمومی و مدنی، شاهد شکوفایی و پیشبرد حقوق شهروندی در کشور عزیزمان باشیم.

حسن روحانی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

مهر بانو لیلا ارشد

صدای زنان و کودکان بی صدا

مهرزاد شفیع پور



تجلیل از خانم ارشد و دریافت نشان برتر مسئولیت اجتماعی از طرف رئیس جمهور آبان ۱۳۹۵

مهر بانو لیلا ارشد: « دوست دارم، صدای کسانی باشم که صدایی ندارند.» وجود مبارک این بانوی مهربان ایران زمین پر است از صفات عالیه انسانی، اما دوست داشتن و عشق ورزیدن ویژگی بارز شخصیت اوست. عشق به هم‌نوع، عشق به وطن، عشق به طبیعت، عشق به انسانیت، عشق به زندگی، عشق به خانواده، عشق به مردم، عشق به کودکان و زنان درمانده کشور و اقشار فقیر جامعه کار اوست. لیلا ارشد منبع انرژی، امید به زندگی، نشاط و شادبختی است. کسی را می‌توان پیدا کرد که او را بشناسد و منکر این صفات زیننده خداوند در وجود این انسان شود.

لیلا ارشد ۴۱ سال از عمر با برکتش را صرف خدمت به مردمان این سرزمین کرده است. بیش از چهار دهه تلاش و کوشش در راه خدمت به مردم و وطنش بخصوص اقشار آسیب دیده و طبقات فقیر جامعه او را هرگز خسته و ناامید نساخته است. او همچنان پر انرژی و با صلابت در راه خدمت به مردم محکم تر از روزها، ماهها و سالهای قبل گام بر می‌دارد. به قول خودش حتی اگر یک گام کوچک باشد که بتواند یک نفر درمانده را به چرخه زندگی باز گرداند؛ او را بسیار خوشحال می‌کند و حس عجیبی به او دست می‌دهد. بنابراین تا کنون به خاطر همین احساس، عشق و علاقه به کارش توانسته هزاران گام بلند در راستای کمک به هم‌نوعانش بر دارد و روح زندگی را به درون هزاران خانواده ایرانی بدمد.

انتخاب شایسته او برای دریافت اولین نشان مسئولیت اجتماعی ایران (آبانماه ۱۳۹۵) از سوی ریاست محترم جمهور کشور؛ کار بسیار ارزنده ای می‌باشد. این اقدام نشان از درایت و قدرشناسی مدیران ارشد کشور از این سرمایه و دیگر سرمایه های اجتماعی و گرانقدر کشور دارد. امیدواریم این روند همچنان پابرجا و پایدار بماند تا بلکه مایه دلگرمی این عزیزان وطن باشد.

آنچه در ادامه خواهید خواند مرور کوتاهی است بر زندگی عادی و فعالیت های حرفه ایی مهربانوی ایران زمین لیلا ارشد.

عشایری بختیاری و قشقایی سپری می کند. «پس از فارغ التحصیلی در دانشکده مددیاری سازمان زنان در «امامان زن» ورامین استخدام شدم. من جزء کادر آموزش این دانشکده بودم. کار ما آموزش دختران جوان سراسر ایران بود که از طریق کنکور جذب این مرکز می شدند. این دختران پس از گذراندن دوره دو ساله آموزش خود باید به شهرستانهای خود بر می گشتند و به مردم منطقه خودشان خدمت می کرد. در طول آموزش باید برخی شب ها به آنها می خوابیدیم تا با خلق و خوی آنان آشنا می شدیم.»

پس از تعطیلی دانشکده مددیاری سازمان زنان، لیلا ارشد به دانشگاه علامه طباطبایی منتقل می شود. چند وقتی در این دانشگاه مشغول به تدریس و آموزش می شوند. سپس از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۴ در بیمارستان شهدای تهران مشغول به خدمت می شوند. وی به خاطر عدم تمایل به کار کردن در آن بیمارستان تصمیم به خانه نشینی و دست کشیدن از فعالیت حرفه ای خود می گیرد. لیلا ارشد به مدت ۱۰ سال کارحرفه ایی خود را کنار می گذارد. «بعد از سال ۱۳۶۴ به خانه داری، فرزندانم و کمک به همسایه ها پرداختم و کار حرفه ایی را کنار گذاشتم. اما کار داوطلبانه و فعالیت های مدنی را نیز به صورت پراکنده تا سال ۱۳۷۴ انجام می دادم.»

لیلا ارشد در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده طبقه متوسط در رشت متولد می شود. به اقتضای شغل پدر و مادرش که جزء کارمندان و مدیران بانک کشاورزی بودند؛ اوان کودکی و نوجوانی خود را در اقصی نقاط ایران زمین نظیر رشت، زاهدان، بندرعباس، یزد و... می گذرانند. به همین خاطر اختلافات طبقاتی و تبعیض بین مناطق شهری و روستایی کشور را با جان و دل حس می کند و این مایه آزار او می گردد.

لیلا ارشد در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده طبقه متوسط در رشت متولد می شود. به اقتضای شغل پدر و مادرش که جزء کارمندان و مدیران بانک کشاورزی بودند؛ اوان کودکی و نوجوانی خود را در اقصی نقاط ایران زمین نظیر رشت، زاهدان، بندرعباس، یزد و... می گذرانند. به همین خاطر اختلافات طبقاتی و تبعیض بین مناطق شهری و روستایی کشور را با جان و دل حس می کند و این مایه آزار او می گردد.

وی ابتدای دهه ۵۰ شمسی در مقطع کارشناسی، رشته مددکار اجتماعی در دانشکده خدمات اجتماعی تهران پذیرش می شود. لیلا ارشد سری پرشور دارد و به همین خاطر در سال ۱۳۵۳ که ۲۰ سال بیشتر ندارد؛ جهت گذراندن دوره طرح کارورزی گروهی خود به مناطق فقیر نشین جنوب شهر تهران محله دروازه غار ورود پیدا می کند. او می بایست از خانوارهای ساکن گودهای محله دروازه غار بازدید می کرد، با آنها به گفتگو می پرداخت، شرایط اجتماعی و اقتصادی خانوارها را بررسی می کرد، به خانواده های دچار آسیب آموزش می داد و چنانچه بچه مریمی داشتند، به پدر و مادرشان آموزش دهد که چگونه از آن مراقبت کنند و آن را پرورش دهند. به آنان درس مهارت های زندگی دهد تا آنان بتوانند محیط و شرایط زندگی شان را مدیریت کنند.

«در آن زمان در سطح محلات فقیر نشین شهر تهران چون دروازه غار، سه راه آذری، دوراهی قیان، نازی آباد، سیزده آبان و... حدود ۲۰ مرکز رفاه خانواده ایجاد شده بود که مثل سازمان بهزیستی کوچک عمل می کردند. فعالیت ما در سطح این محلات به عنوان کارورز زیر نظر این مراکز صورت می گرفت. من ساعت ۸ صبح تا ۸ شب در محله دروازه غار مشغول فعالیت بودم.»

لیلا ارشد دوره کارورزی گروهی خود را در محله دروازه غار تهران، دوره کارورزی فردی را در بیمارستان طی کودکان تهران در کنار دکتر قریب و دوره کارورزی اجتماعی اش را در جوامع





کارگاه اشتغال زنان، موسسه زنان سرزمین خورشید تحت مدیریت خانم ارشد آذر ماه ۱۳۹۵

مسئولیت های اجتماعی و فردی

لیلا ارشد در مقاطع مختلف مسئولیت های مهمی بر عهده گرفته است. هم به عنوان همسر و مادر، هم در سمت استادی، هم در سمت مددکار و فعال مدنی. او در هر جایگاهی که قرار گرفته خوب درخشیده و ایجاد تعادل بین زندگی شخصی و اجتماعی اش رمز پیروزی اوست. احساس مسئولیت او نسبت به جامعه و خانواده اش ستودنی است. وی اکنون صاحب دو فرزند یک پسر و یک دختر است. پسر وی مهندس مکانیک و دخترش کارشناس ارشد طراحی صنعتی است. وی بیش از چهار دهه تلاش و کوشش در راه خدمت به خانواده و جامعه همچنان استوار و محکم گام بر می دارد. هیچ گاه احساس خستگی نکرده و کوچکترین تردید و ناامیدی به دل راه نداده است.

لیلا ارشد توان و اراده خستگی ناپذیری در جریان سازی و ایجاد ظرفیت در درون جامعه مدنی کشور داشته و دارد.
از دیگر اقدامات وی در زمینه نهادسازی تأسیس و مدیریت مرکز مددکاری اجتماعی یارا و ایجاد اولین DIC (مرکز گذری کاهش آسیب اجتماعی) زنان در ایران و حتی در خاورمیانه می باشد.

« من به عنوان همسر و یک مادر همیشه سعی کردم در منزل غذای گرم تهیه کنم، آشپزی کنم، میهمانداری کنم با دوستان و اقوام در رفت و آمد باشم. بنابراین در محیط خانواده و کار به خاطر یک سری مشکلات آن هم به دلیل حساسیت من که باید کارها را دقیق و منظم انجام می دادم، گاهی اوقات احساس خستگی می کردم اما این احساس خستگی ها برای من گذرا بودند. در نتیجه خیلی سریع توانستم خود را از آن شرایط خارج کنم. بالاتر از هر چیزی

امید است که چراغ راه من بوده و همیشه با خودم فکر می کردم که باید امیدوارم باشم. با خود می گویم اگر من توانستم برای یک نفر کاری کنم، حتی تهیه یک شناسنامه برای یک شخص که فاقد شناسنامه باشد، آن یک نفر امید است. در نتیجه این اقدامات همچون دانه های بذری هستند که بر زمین پاشیده می شوند؛ طبیعتاً همه نمی رویند، ولی برخی از آنها خواهند روید که مایه امید هستند.

بنابراین اگر ما توانستیم یک نفر را از چرخه آسیب نجات دهیم آن یک نفر می تواند بر خانواده و اطرافیانش موثر واقع شود. این یعنی امید و گامی بزرگ در راه کاهش آسیب های اجتماعی خانواده هایمان و جامعه که نهایتاً فرزندانمان را یک قدم به سلامت نزدیک کردیم.»

لیلا ارشد علی رغم اینکه در سال ۱۳۵۹ از کادر آموزش دانشگاه علامه طباطبایی کنار گذاشته شد، اما همچنان دانشجویان رشته مددکاری اجتماعی در برخی موسسات آموزشی عالی (دانشگاه علامه طباطبایی، بهزیستی، دانشگاه آزاد واحدهای رودهن و تهران مرکزی) دوره کارورزی خود را زیر نظر ایشان می گذرانند.

بالاخره خانم ارشد پس از ۱۰ سال دوری از کار و حرفه اش، در سال ۱۳۷۵ دوباره کار حرفه ای و فعالیت های گسترده اجتماعی و مدنی خود را از سر می گیرد. در سال ۱۳۷۵ عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان کار می شود و تا کنون شش دوره عضو هیئت مدیره این انجمن بوده است. وی یکی از اعضا موسس کمیته کودکان خیابانی است و از بانیان خط تلفنی «صدای یارا» (اولین و تنها خط حمایت از کودک و نوجوان و خانواده که به آنان مشاوره رایگان می دهد) می باشد.

لیلا ارشد توان و اراده خستگی ناپذیری در جریان سازی و ایجاد ظرفیت در درون جامعه مدنی کشور داشته و دارد. از دیگر اقدامات وی در زمینه نهادسازی تأسیس و مدیریت مرکز

و معده دارند، واکسینه نشده‌اند و مشکلات فراوان دیگر. بنابراین وارد مذاکره با وزارت بهداشت شدیم که آنان را واکسینه کنند. به برخی کارخانجات تولید مواد شوینده مراجعه کردیم که رایگان مواد بهداشتی و شوینده را در اختیار ما گذاشتند و به برخی حمام های عمومی مراجعه کردیم که به آنها تخفیف دهند تا بتوانیم این بچه ها را حمام ببریم.

بعد از این مراحل وارد مذاکره با خانواده های این کودکان شدیم و به بررسی مشکلات خانواده های کودکان پرداختیم. یواش یواش اعتماد خانواده ها به کار ما بیشتر شد. تعداد کودکان از ۵۰ نفر به بیش از ۳۰۰ نفر رسید. مسئولین پارک و فرهنگسرای خواجه کرمانی کم کم به ما اعتماد کردند و زمانی که دیدند ما دلسوزانه به دنبال حل مشکلات کودکان و خانواده های محله هستیم؛ سالن کتابخانه فرهنگسرا را در اختیار ما گذاشتند. کمبود فضا برای فعالیت و نیاز به تفکیک سنی و جنسی مراجعه کنندگان باعث شد که مسئولین این کتابخانه دو اتاق در اختیار ما بگذارند اما همچنان کمبود فضا داشتیم. به همین خاطر با شهرداری منطقه ۱۲ وارد مذاکره شدیم و آنان یک ساختمان بغل سینما شاهنگ در اختیار ما گذاشتند. این ساختمان پنج اتاق داشت و آنجا شرایط ما برای فعالیت خیلی بهتر شد. کارگاههای مختلفی چون سوادآموزی، کامپیوتر، نقاشی، عکاسی و ... راه انداختیم. بچه ها را در مدارس ثبت نام کردیم. خانه کودک شوش را راه انداختیم. پس از این جریانات تعداد زیادی از همکاران ما که طی این سالها در پروژه های مختلف با ما بودند تصمیم گرفتند مستقل و با گروههای مختلف کار کنند و بنابراین این اقدامات موجب شد که نهادهای زیادی در سطح محله شکل بگیرند.»

مددکاری اجتماعی یارا و ایجاد اولین DIC (مرکز گذری کاهش آسیب اجتماعی) زنان در ایران و حتی در خاورمیانه می باشد.

چهار دهه حضور در محله دروازه غار

خانم ارشد از دهه ۵۰ شمسی تا کنون در محله دروازه غار حضور داشته و حضور وی در این منطقه محروم مایه خیر و برکت بوده است. «من در سال ۱۳۷۸ عملاً با تیم انجمن حمایت از حقوق کودکان کار در زیر پل سید خندان، میدان ولیعصر و سایر مناطق شهر تهران یک سری تحقیقات روی کودکان کار که تازه در سطح شهر ظاهر شده بودند؛ داشتم. پس از انجام این مصاحبه ها متوجه شدیم، اکثریت آنان از محله دروازه غار می آیند. ابتدا قصد ما بر این بود که این کودکان را پیدا کنیم و یکی از اصول پیمان نامه انجمن که مرتبط با کودکان بازمانده از تحصیل است در مورد آنان به اجرا در آوریم.

اگر ما توانستیم یک نفر را از چرخه آسیب نجات دهیم

آن یک نفر می تواند

بر خانواده و اطرافیانش موثر واقع شود.

این یعنی امید و گامی بزرگ در راه کاهش آسیبهای

اجتماعی خانواده هایمان و جامعه

که نهایتاً فرزندانمان را یک قدم به

سلامت نزدیک کردیم.»

لذا تیم داوطلبی ما در روزهای جمعه به دروازه غار اعزام شد و کار با کودکان خیابانی دروازه غار در سطح پارک خواجه کرمانی با ۵۰ کودک شروع کردیم. در آغاز کار متوجه شدیم تحصیل اولویت کودکان نیست، چرا که گرسنه‌اند، شپش و انگل روده





زنان تحت پوشش موسسه زنان سرزمین خورشید

موسسه زنان سرزمین خورشید است. در حال حاضر این مرکز در سه حوزه اشتغال، حمایت های اجتماعی و توان افزایی زنان بهبود یافته از اعتیاد خدمات می دهد. لیلا ارشد از تصمیمش برای ایجاد خانه خورشید و مشکلات سر راه آن چنین می گوید: «در سال ۱۳۸۴ سازمان بهزیستی تصمیم گرفت اولین DIC (مرکز گذری کاهش آسیب) زنان در ایران و حتی در خاورمیانه را احداث کند. از من به خاطر تجربه و علاقه به کارم، خواست که این مسئولیت را بپذیرم. با علم به اینکه کار کردن در حوزه زنان در جوامع و شرایطی مثل ما خیلی سخت تر از مردان است، حتی خدمت کردن به زنان هم سخت تر است؛ پیشنهاد را بپذیرفتم و من با دوستان خانم منشی زاده صحبت کردم که می خواهم کاری را در حوزه اعتیاد زنان شروع کنم و به کمک من بیایند و او هم قبول کرد.

در حال حاضر دانش و تجربه لیلا ارشد و امثالهم چراغ راه ما در صف مبارزه با فقر، آسیب های اجتماعی و تقویت نظام اجتماعی کشور است. حفظ، قدردانی و بهره گیری از توان و تجربه این سرمایه های گرانقدر کشور تنها راه نجات کشور از فقر، بیکاری، معضلات اجتماعی و اقتصادی است. دادن نشان برتر مسئولیت اجتماعی در آبان ماه امسال به بانوی مسئولیت پذیر ایران زمین لیلا ارشد از طرف مسئولین طراز اول کشور کاری بس پسندیده و بجا بود. اما مهمتر از این، بهره گیری از توان و تجربه این عزیزان برای اعتلا و توسعه پایدار کشور است.

خانم خوبه و خانه خورشید دروازه غار
حضور روزانه لیلا ارشد طی سالهای متوالی در کف خیابان ها، کوچه و پس کوچه دروازه غار همراه با خوشرویی وی با مردم، باعث شهرت وی در بین ساکنین این محله شده و اکثراً وی را بنام خانم خوبه می شناسند. راه اندازی خانه خورشید دروازه غار در سال ۱۳۸۵ توسط لیلا ارشد و همکارش سرور منشی زاده یکی از اقدامات ستودنی وی طی دهه گذشته در سطح این محله است. امروزه لیلا ارشد را با خانه خورشید می شناسند. او و خانه اش همچون خاله خورشید بی دریغ بر این دیار تابیده اند و کمک های بی دریغ او در قالب خانه خورشید به زنان و کودکان دروازه غار بر هیچ کس پوشیده نیست. خانه خورشید اولین DIC (مرکز گذری کاهش آسیب) اعتیاد زنان است که از بهمن ماه ۱۳۸۵ فعالیت روزانه خود را در منطقه شوش و دروازه غار آغاز کرد. این مرکز با هدف ارائه خدمات و حمایت هایی در زمینه درمان و بازتوانی زنان معتاد به صورت رایگان و تحت نظارت سازمان بهزیستی به کار خود ادامه داد تا اینکه بعد از ۸ سال در زمستان ۱۳۹۳ با توجه به مشکلات و محدودیت های پیش رو این مرکز، مدیران آن با توجه به تجربیات، مشاوره های انجام شده و آگاهی از کاستی ها و نیازهای موجود بر آن شدند تا گروه هدف خود را از زنان معتاد به زنانی که قطع مصرف مواد کرده اند و دارای فرزند می باشند متمرکز کنند. پیشگیری از عود و بازگشت مجدد به سوء مصرف، قادرسازی و توانمندسازی زنان از طریق کسب مهارت های اجتماعی و حرفه ای، حمایت از فرزندان زنان آسیب دیده از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان، تلاش برای تغییر نگرش جامعه نسبت به زنان دارای سابقه سوء مصرف مواد و آموزش پیشگیری از اعتیاد و ایدز در میان جوانان، مردم منطقه و نهادها از مهم ترین اهداف و برنامه های

در حال حاضر دانش و تجربه لیلا ارشد و امثالهم چراغ راه ما در صف مبارزه با فقر، آسیب های اجتماعی و تقویت نظام اجتماعی کشور است. حفظ، قدردانی و بهره گیری از توان و تجربه این سرمایه های گرانقدر کشور تنها راه نجات کشور از فقر، بیکاری، معضلات اجتماعی و اقتصادی است.

دادن نشان برتر مسئولیت اجتماعی در آبانماه امسال به بانوی مسئولیت پذیر ایران زمین لیلا ارشد از طرف مسئولین طراز اول کشور کاری بس پسندیده و بجا بود. اما مهمتر از این، بهره گیری از توان و تجربه این عزیزان برای اعتلا و توسعه پایدار کشور است. به قول خود خانم ارشد: «تا وقتی ما نتوانیم حمایت های اجتماعی بزرگ را در درون سیاست های کلان جا دهیم، نخواهیم توانست کاری از پیش ببریم.» وی در ادامه چاره نجات محله دروازه غار و سایر اجتماعات محلی و کشور را بهره گیری از تجربه و توان افراد متخصص کشور می داند. «افراد متخصصی که سالها در این محلات کار کرده و تجربه کسب کرده اند، چنانچه در کنار سیاستگذاران و برنامه ریزان قرار گیرند خیلی می توانند موثر باشند. وقتی پلیس به من می گوید: چطور جرأت می کنی، بدون هیچ ابزار امنیتی وارد جمع ۱۰۰ نفری معتادین خیابانی و قماربازان شوی که نه باتوم داری و نه شوکر و نه محافظی؟ من در جوابش می گویم: من برای آنان تهدید محسوب نمی شوم. بنابراین با من رو راست هستند و مسائل و مشکلات زندگی شان را بهتر با من در میان می گذارند. لذا پلیس و سیاستگذاران ممکن است هرگز در جریان این مسائل و مشکلات قرار نگیرند.»

علی ایحال اگر سیاستگذاران و برنامه ریزان محلی و کشوری نخواهند از کسانی که سالها در مناطقی نظیر دروازه غار تجربه و تخصص کسب کرده اند؛ کمک و راهکار بگیرند، واقعیت همین است که دارد اتفاق می افتد.»

با توجه به شناختی که از دروازه غار داشتیم این محله را انتخاب و کار را از سال ۱۳۸۵ شروع کردیم. طی این سالها سختی های زیادی پشت سر گذاشتیم و مشکلات زیادی را تجربه کردیم. این مشکلات بخش های مختلفی داشت مثلا حمایت برای رسیدن به اهدافمان از سوی سازمان های دولتی مسئول، حداقلی بود. حمایت مالی بسیار پایین بود. ما معمولا یارانه هایمان را در پایان سال دریافت می کردیم درحالی که متادون به شکل خیلی فزاینده ای گران شد، مواد غذایی، هزینه های آب، برق و گاز. حق الزحمه هایی که پرداخت می کردیم. هدف ما از این کار چشمداشت مالی نبود؛ بلکه هدف ما انجام یک کار انسان دوستانه و باز کردن راهی برای زنان آسیب دیده بود، به ویژه اینکه می خواستیم صدای کسانی باشیم که صدا نداشتند. واقعا همه هدف ما این بود که صدای باشیم برای مسائلی که کسی نمی توانست آنها را بیان کند.»

کوله باری از تجربه و دانش

لیلا ارشد برای رهایی هموعانش از درد و رنج، فقر و بیماری روزها، ماهها و سالها وقت گذاشت. او اکنون کوله باری از دانش و تجربه گرانمایه با خود همراه دارد که با جان و دل در دروازه غار و سایر مناطق کسب کرده است. وی این دانش و تجربه ها را آسان بدست نیاورده، تجربه و دانشی که مدت زیادی از عمر گرانمایه او را گرفته است. او هزینه هنگفتی برای بدست آوردن این دانش و تجربه از قبیل زندگی و جوانی اش پرداخته است و گاه تنهایی و ناملايمات بر سر راه و اهدافش روح و جان او را صیقل داده است. اما به قول خودش هیچ وقت این ناملايمات و خستگی ها او را متوقف و نا امید نساخت؛ بلکه همچنان استوار در راه و هدفش که همانا کمک به مردم درمانده و توسعه کشور می باشد، گام بر داشت. حال نکته قابل تأمل این است که این بانو گرانقدر، امروز تبدیل به ثروتی هنگفت و ارزشمند برای کشور شده است.



عبدالرضا عزیزی فرد و مهرزاد شفیعی پور

مهدی آباد

سکونتگاهی شبیه اردوگاه



مهدی آباد یکی از روستاهای تابع بخش چهارباغ شهرستان ساوجبلاغ استان البرز است. این سکونتگاه که در حاشیه کلانشهر کرج در همسایگی زندان قزلحصار و ندامتگاه کرج شکل گرفته؛ مطابق سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ شامل ۶۱۵۷ خانوار می باشد که در ابتدای دهه ۳۰ شمسی شامل سه خانوار بوده است. جمعیت این روستا طبق سرشماری عمومی در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۲۲۴۲۵ نفر می باشد. مهاجرت خانواده های زندانیان طی چند دهه گذشته به این ده و موج مهاجرت طبقات فقیرنشین شهری در پی بالا رفتن اجاره بها مسکن در فاصله سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ از شهرهای کرج و تهران به سمت این سکونتگاه، موجب رشد سریع و توسعه نامتوازن و مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی آن شده است.

منطقه این مجموعه شامل ۷۴۰ هکتار زمین بوده است که کرم خان فرزند قارداش خان ارباب منطقه در یک قمار آن را به شخص دیگری واگذار می کند. در سال ۱۳۳۳ زندان قزلحصار که زمین آن باغ سیب بوده، تخریب و بجای آن زندان مذکور ساخته می شود. در سالهای ابتدای دهه ۳۰ شمسی سه تن از گله داران ایل شاهسون بنام های عیسی حاج علی، صفر کتابدار و محمد باحقیقت که قبلاً رعیت و اجاره دار زمین های قارداش خان و پسرش کرم خان بودند؛ تصمیم به اسکان دائم و ساختن خانه در مکان فعلی شهرک مهدی آباد می گیرند و از آن زمان سکونت در مهدی آباد شکل می گیرد. نام مهدی آباد نیز توسط زمین دار منطقه آقای فولادیان به نیابت امام زمان مهدی موعود بر این سکونتگاه گذاشته می شود.

در دهه ۵۰ شمسی کمتر از ۱۶ خانوار ساکن این منطقه بودند. تا سال ۱۳۷۰ در این منطقه کار کشاورزی و دامپروری رونق داشت و تعداد خانوارهای ساکن مهدی آباد در آن زمان ۱۴۰ خانوار بوده است. این تعداد خانوار طبق سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ به بیش از ۶ هزار خانوار رسیده است.

به هر حال مهدی آباد به دلایلی از جمله زندان قزلحصار و ندامتگاه کرج، فاصله کم با کارگاهها و کارخانه های مجاور شهرهای کرج و تهران، سهولت در دستیابی به زمین ساختمانی به لحاظ وجود اراضی کشاورزی جهت واگذاری به متقاضیان ساخت و ساز که از طرف مالکین آنها مورد تفکیک و قطعه بندی قرار گرفته اند، همچنین نبود چشم قانون برای نظارت بر ساخت و سازهای غیر قانونی همراه با تغییر در کاربری زمین های کشاورزی، محل مناسبی برای سکونت مهاجرینی بوده است که به انحاء مختلفی به این دیار آمده اند.

در این زمینه نکته شایان توجهی وجود دارد و آن این است که با استناد به مصاحبه های صورت گرفته بیش از ۴۰ درصد ساکنین

مهدی آباد را با زندان قزلحصار می شناسند. سرنوشت این سکونتگاه با این زندان و همسایه بغلی آن یعنی ندامتگاه کرج گره خورده است. از جمله راههای رسیدن به مهدی آباد جاده قزلحصار است، البته باید با احتیاط راند و مراقب دست اندازهای ناجور آن بود. جهت غرب به شرق این جاده را که بیمایی، به دیوار بلند و طویل زندان قزلحصار که برج های نگهبانی آن از دور خودنمایی می کنند خواهی رسید. مهدی آباد همسایه روبروی زندان قزلحصار سالهاست که میزبان خانواده های زندانیان این زندان است.

مهدی آباد بیشتر شبیه یک اردوگاه اجباری است تا یک سکونتگاه. ساکنین این اردوگاه به سه دسته تقسیم می شود. دسته اول بومیان منطقه هستند که جزء شبانان و گله داران کوچ رو بودند که تعداد خانوارهای آنان از عدد سه تجاوز نمی کرد و اینجا محل ییلاق آنان بود که به مرور تعداد آنان زیاد شد. دسته دوم: مهاجرین اجباری هستند که بخش قابل توجهی از ساکنین اردوگاه را تشکیل می دهند که پس از شکل گیری زندان قزلحصار و دیگر زندان های منطقه به خاطر ارتکاب جرم به زندان های منطقه منتقل و به پیروی از آنان خانواده هایشان از سر اجبار به این اردوگاه گسیل شده اند. دسته سوم که بخش عمده ای از ساکنین منطقه را تشکیل می دهند، مهاجرین فقیر شهری و رانده شده دهه ۸۰ شمسی از شهرهای تهران و کرج به خاطر لجام گسیختگی قیمت مسکن می باشد.

اکنون مجموعه اردوگاهی قزلحصار که مهدی آباد بخش کوچکی از آن است تلفیقی است از زندان قزلحصار، ندامتگاه کرج، پادگان آموزشی ناجا، کیانهر، شیطان بازار، شهرک مهدی آباد، شهرک صفرآباد، شهرک امام رضا، شهرک دانشگاه یا علوی، پروژه عظیم مسکن مهر بنام شهرک ابریشم و ...

از ابتدای امر این منطقه (زندان قزلحصار، ندامتگاه کرج، پادگان ناجا، کیانهر، شیطان بازار، مهدی آباد و شهرک های اطراف آن و ...) محل دامپروری و کشاورزی بوده است. به روایت بومیان

من بیکار هستند. نه می‌توانند ازدواج کنند نه تفریح و سرگرمی دارند به همین خاطر اکثراً به دام اعتیاد و خلاف می‌افتند»

حرف اکثریت جوانان و ساکنین مهدی آباد از پیر و جوان یکی است؛ بیکاری و کمبود درآمد مهم ترین مشکل آنهاست. نبود سرمایه و فرصت های شغلی موجب گردیده که اکثریت جوانان مهدی آباد بیکار باشند و بیکاری منشاء خیلی از آسیب های اجتماعی مهدی آباد است.

نبی از ساکنین محله صفر آباد ساکن خیابان امامت شغلش رانندگی کامیون است. «از سرنوچاری و گرانی اجاره خانه به اینجا پناه آوردیم. اینجا هیچی ندارد. مهدی آباد پایان خط است. اگر شرایط بهتری فراهم شود، از اینجا خواهم رفت» شواهد حاکی از این است که اکثریت ساکنین محله از سر اجبار روانه این دیار شدند و تعلق خاطری به آن ندارند.

تمامی کوچه پس کوچه های مهدی آباد را زیر پا می گذارم از گوشه کنارش تا مرکزش را خوب می پایم، شهر به ظاهر آرام است. فقر از سر روی خانه های آن می بارد. اکثر خیابان های آن آسفالت شدند اما پر از چاله و چوله هستند. اکثریت ساکنین حاضر به گفتگو در ارتباط با محل زندگی شان نیستند. از چند خانم درخواست مصاحبه می کنم و حاضر به مصاحبه نمی شوند و می گویند: با آقایان صحبت کنید. اکثر آقایان نیز برخی سوالات را پاسخ نداده و یا از پاسخ دادن طفره می روند. علی ساکن شهرک امام رضا خوب صحبت می کند و وقتی در مورد آسیب ها و معضلات اجتماعی از او می پرسم، مثل خیلی ها در اینجا دچار لکنت زبان می شود و سر بسته صحبت می کند. او می گوید: «به

مهدی آباد و سکونتگاههای اطراف آن از جمله صفر آباد و شهرک امام رضا جزء خانواده زندانیان قزلحصار و سایر زندان های کرج می باشند. زیرا روانه شدن زندانیان با مدت حبس طولانی از شهرهای مختلف به زندان قزلحصار، خانواده های آنها را مجبور می ساخت، هر از گاهی راه طولانی شهرستان خود را طی نموده تا جهت ملاقات با زندانشان خود را به این زندان برسانند. در پی این رفت و آمدها بسیاری از خانواده ها بعد از مدتی متوجه شدند که در مجاورت زندان نقاط سکونتگاهی وجود دارد که به سهولت می توان در آن سکنی گزیند و از طرفی به راحتی جهت ملاقات با زندانشان، به زندان دست یابند. با این توضیح می توان اذعان نمود که یکی از دلایل رشد ناموزون مهدی آباد وجود زندان قزلحصار و ندامتگاه کرج بوده است.

در حال حاضر سایه زندان قزلحصار و ندامتگاه کرج و سوداگران مواد مخدر، بی خانمان ها، فقر، بیکاری و ... بر سر مهدی آباد بسیار سنگینی می کند. مهدی آباد زاده زندان قزلحصار نیست اما این زندان و همسایه اش ندامتگاه مرکزی کرج آن را گسترش داده اند. امروزه بخش عظیمی از مشکلات مهدی آباد با زندان قزلحصار و سایر زندان های کرج گره خورده است.

مهدی جوان ۲۲ ساله ساکن خیابان انقلاب که قبلاً در حصارک کرج زندگی می کردند و ۱۰ سالی است به خاطر مشکلات مالی و گرانی مسکن همراه خانواده اش سر از این دیار در آورده می گوید: «اینجا پر از مشکل است از هر نوع مشکلی که بخواهی اینجا موجود است. فقر، بیکاری، نزاع دسته جمعی، دزدی، اعتیاد، مواد مخدر، تن فروشی، معتاد خیابانی و ... ۸۰ درصد جوانان محله مثل



شبهه سراب در مقابلشان وجود دارد. عمده اقشار ساکن مهدی آباد طبقات ضعیف و آسیب دیده هستند که البته کارگر صنعتی و دانشجو نیز در درون این اجتماع پیدا می شود که به خاطر کارخانه قند یا نزدیکی به اتوبان تهران - قزوین و دانشگاه، گذرشان به اینجا افتاده اما تعدادشان خیلی کم است و اکثریت با طبقات ضعیف از جنس کارگران فصلی، مشاغل کاذب و غیرقانونی است. نظام اجتماعی حاکم بر مهدی آباد در حال حاضر یک نظام اجتماعی دچار اخلاص است که به عللی چون فرسودگی و ارزان بودن اجاره بها مسکن مأمونی برای طبقات فقیر و بزهکار شده است که به شدت زندگی اجتماعی و خرده نظام های اجتماعی آن دچار بی نظمی و تغییر شده اند.

امروزه در اعماق نظام اجتماعی مهدی آباد، مشکلات و مسائل پیچیده ای یافت می شوند که هر کدام از آنها، ابعادی از این نظام اجتماعی را در بر می گیرند و ضمن به چالش کشیدن نظام اجتماعی این محدوده، حوزه پیرامونش را نیز به چالش کشیده و سایه سنگین این محدوده و زندان بر سر حوزه پیرامونش به وضوح قابل لمس و مشاهده است.

مهدی آباد بیشتر شبیه یک اردوگاه اجباری است تا یک سکونتگاه. ساکنین این اردوگاه به سه دسته تقسیم می شود. دسته اول بومیان منطقه هستند که جزء شبانان و گله داران کوچ رو بودند که تعداد خانوارهای آنان از عدد سه تجاوز نمی کرد و اینجا محل بیلاق آنان بود که به مرور تعداد آنان زیاد شد. دسته دوم: مهاجرین اجباری هستند که بخش قابل توجهی از ساکنین اردوگاه را تشکیل می دهند که پس از شکل گیری زندان قزلحصار و دیگر زندان های منطقه به خاطر ارتکاب جرم به زندان های منطقه منتقل و به پیروی از آنان خانواده هایشان از سر اجبار به این اردوگاه گسیل شده اند. دسته سوم که بخش عمده ای از ساکنین منطقه را تشکیل می دهند، مهاجرین فقیر شهری و رانده شده دهه ۸۰ شمسی از شهرهای تهران و کرج به خاطر لجام گسیختگی قیمت مسکن می باشد.

ظاهر آرام این شهر نگاه نکن از وقتی حمدا... را دستگیر کردند. وضعیت بهتر شده» از او می پرسیم حمدا... کی بود و چکار کرده است؟! اما او حاضر نیست بحث را باز کند و بحث را به حاشیه می برد. «اینجا تا دلت بخواهد معضل و بدبختی داریم. اگر برخی جوانان با غیرت این محله نبودند اینجا نیز تبدیل شده بود به ملک آباد دوم. اگر دلبستگی برخی از جوانان به محل زندگی شان نبود، قاچاقچیان و اراذل و اوباش و مجرمین زندان اینجا را بلیعه بودند.»

گذشته از بحث اعتیاد و بیکاری که مردم مهدی آباد آن را از اصلی ترین مشکلاتشان می دانند، سایر مشکلات این شهر کمبود امکانات و خدمات شهری و زیر ساختی است که به وضوح قابل دیدن هستند. قطعی آب شرب در ساعاتی از روز بخصوص در شهرک امام رضا، آب گرفتگی معابر به علت فرسودگی سیستم جداول دفع فاضلاب در مواقع بارندگی، خاکی بودن بعضی معابر، بوی بد فاضلاب بر اثر رها شدگی در معابر، وجود اراضی بایر و بدون استفاده بین پلاک های مسکونی، همچنین ریزدانی و واحدهای مسکونی، عرض کم معابر، فقدان هرگونه فضای سبز و پارک، فقر سرانه فضاهای آموزشی، بهداشتی - درمانی، فقدان هرگونه فضای امنیتی - انتظامی از جمله موارد قابل ذکر می باشد. آقای جوادی ساکن خیابان دستغیب به مشکلاتی چون ریزدانی خانه ها، نداشتن پارکینگ اشاره می کند. «کوچه ها و خیابان همگی باریک هستند. همه خانه های مهدی آباد کوچک و ۵۰ متری هستند اکثر خانه نم دارند و پارکینگ ندارند. هر روز به خاطر پارک ماشین ها در کوچه ها دعواست. کمتر خانه ای را می توان پیدا کرد که حیاط بزرگ داشته باشد و ماشین را در آن پارک کرد.»

مهدی آباد در حال حاضر از مجموع چهار محله مهدی آباد، صفر آباد، امام رضا و شهرک علوی یا دانشگاه تشکیل شده است. محله هایش برای ساکنان آن به خوبی مرزبندی دارد؛ خیابان های مهدی آباد هم به سادگی نشان از تنوع اقوام ساکن دارد که اکثریت با ترک ها و عمدتاً از ایل شاهسون هستند، سپس اقوام دیگر نظیر کردها، لرها، عرب ها و افغانها در اکثریت هستند. وجود افراد با لهجه های مختلف در مهدی آباد گواهی دهنده تنوع قومی و فرهنگی در این اجتماع است. هر کدام از یک شهر و دیار و به امید رهایی از فقر و داشتن زندگی بهتر به اینجا آمده ولی چیزی





**گامی در راستای توسعه پایدار اجتماعات فقیر
استان تهران**

<https://telegram.me/hamyarantoseapaydar>

۰۲۱۸۸۳۹۲۱۳۲



هم وطن

کدام آسمان حق من و توست؟

